



واژه‌نامه توصیفی معماری و حوزه‌های وابسته

در گویش میبد

واژگان عام

جلد (۱)

سعیده شجاع رضوی

شجاع رضوی، سعیده، ۱۳۵۴ -

واژه‌نامه توصیفی معماری و حوزه‌های وابسته در گویش میبد / سعیده
شجاع رضوی . - تهران: سازمان میراث فرهنگی و گردشگری (پژوهشگاه)،
پژوهشکده زبان و گویش، ۱۳۸۴.

ج (۱): مصور.

ISBN: 964-421-027-1: ۱۵۰۰۰ ریال

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

مندرجات ج. ۱. واژگان عام.

۱. معناری -- اصطلاحها و تعبیرها. ۲. میبدی -- اصطلاحها و تعبیرها. الف.

سازمان میراث فرهنگی و گردشگری (پژوهشگاه) پژوهشکده زبان و گویش.

ب. عنوان.

۷۲۵/۱۴

۲ و ۳ ش / ۳۱ نا

م ۸۴-۱۸۰۹۰

کتابخانه ملی ایران



پژوهشگاه

پژوهشکده زبان و گویش

واژه‌نامه توصیفی معماری و حوزه‌های وابسته در گویش میبد

تألیف: سعیده شجاع رضوی

ناشر: پژوهشکده زبان و گویش با همکاری اداره کل امور فرهنگی

نوبت چاپ: اول / ۱۳۸۴

شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۶۴-۴۲۱-۰۲۷-۱

عکسهای روی جلد: برگرفته از کتاب خورشید ایران

حروفچینی و صفحه‌آرایی: سحر و سیمین نیساری

لیتوگرافی / چاپ: نقش آور / توسکاگستر

قیمت: ۱۵۰۰ تومان

نشانی ناشر: تهران، خیابان آزادی، نبش زنجان جنوبی، سازمان میراث فرهنگی و

گردشگری، تلفن: ۶۶۰۴۴۲۰۷

کلیه حقوق برای «سازمان میراث فرهنگی و گردشگری» محفوظ است.

در آغاز؛

هنر معماری ایران یکی از ماندگارترین آثاری است که قدمتی به درازای تاریخ چند هزارساله‌ی ایران و تمدن ایرانی دارد. تلاش سالیان نیاکان این مرز و بوم جهت ساخت مأمی مناسب در مبارزه با طبیعتی نا آرام می‌تواند مایه‌ی مباهات هر ایرانی باشد که گذشتگانی با این ظرافت و دقایق اندیشه داشته است. این معماری با پشتوانه‌ی استوار و ریشه دار خود یکی از قدیمی ترین بازماندگان هنری جهان محسوب می‌شود که سالهای سال بیگانگان از روش ها، اصطلاحات و چگونگی آن بهره های فراوان برده اند.

این کتاب نخستین اقدامی است در جهت گردآوری واژگان و اصطلاحات یکی از شهرستانهای به نام ایران در زمینه‌ی معماری (مید) که به دلیلی وجود بناهای با ارزش فراوان و حضور مردانی سالخورده و آگاه از این ظرایف، تدوین فرهنگ جامعی در زمینه‌ی معماری را بیش از هر زمانی می‌طلبد.

۱- سرآغاز

اصولی که در ضبط و گردآوری مدخلهای واژگانی این کتاب دیده می‌شود مبتنی بر آراء دو زبانشناس معاصر به نامهای «آندره مارتینه» و «هانری والتر» است. این دو در سال ۱۹۷۳ فرهنگی به نام «فرهنگ تلفظ فرانسه برای کاربرد واقعی واژگان»، منتشر کردند که در آن مدخلهای واژگانی به صورت تلفظی و رایج سخنگویان یک زبان ارائه شد. آنان شیوه‌ی مدخل نویسی به صورت معهود را به کناری نهادند و تلفظ متفاوت اقشار مختلف جامعه را بدون در نظر گرفتن «صحیح یا غلط» ضبط کردند. آنان بر این عقیده بودند که «هرگز نمی‌توان تلفظ یک شخص واحد را به عنوان نمونه داد» (مارتینه والتر ص ۹)

این شیوه گرد آوری که واژگان به صورت تلفظی و به دور از در نظر گرفتن صورت صحیح آن در فرهنگ لغات ثبت می شد تا آن زمان بی سابقه بود. فرهنگ آنان دارای شیوه ای نوین است که پس از انتشار به عنوان شیوه ای عملی پیش روی فرهنگ نویسان بعدی قرار گرفت.

واژه نامه ی حاضر نیز بر اساس گفتار معماران شهرستان میبد به منظور هرچه دقیقتر شدن گردآوری این واژگان به همین شیوه ضبط و ثبت شد. آنچه گویشوران محلی در موضوع معماری وساخت و ساز بنا عنوان کردند، بی هیچ دخل و تصرفی در این واژه نامه ی توصیفی ارائه گردید، تا واژه نامه ای بکر در زمینه ی معماری این شهرستان ارائه شود. لازم به تذکر است که آوردن مدخلهای متنوع در این واژه نامه به معنای اختصاص این واژگان به شهرستان میبد نیست بلکه این واژه نامه های کاربردی معماری این شهرستان را با لهجه ی خاص گویشور در همان معنای مورد نظر ارائه می دهد تا این واژگان به صورت تلفظی معماران این شهرستان (با قید تفاوت های اندک میان آنها) ضبط و معنای مورد نظر آنان (همراه تفاوت های معنایی موجود) عیناً منتقل گردد تا در صورت لزوم معماران، کارشناسان و پژوهشگران به این اطلاعات دست یافته در راه اهداف خویش از آن بهره گیرند.

در اینجا لازم می دانم از رئیس محترم پژوهشکده ی زبان و گویش سازمان میراث فرهنگی دکتر سعید عریان، به پاس حمایت های بی دریغشان نهایت تشکر و قدردانی را داشته باشم و نیز از دکتر بدالله پرمون مدیر گروه پژوهش زبان و گویش رایج که در گردآوری نمونه های آغازین این کار و در باز خوانی بخشهایی از آن باری رسان و راهنمای من بودند تشکر و قدردانی نمایم.

همچنین از آقای ذات الله نیکزاد کارشناس مرمت و معماری سازمان میراث به پاس راهنمایی هایشان و خانم پریوش حق نگهدار کارشناس محترم پژوهشکده ی زبان و گویش به پاس زحماتشان در ضبط و گرد آوری اطلاعات معماری نهایت تشکر و سپاس را دارم. از خانم سحر نیساری و لیلارستگار نیز که تلاش بسیاری در زمینه ی تایپ و حروفچینی این کتاب نمودند بسیار قدردان و سپاسگذارم.

به جاست که از گویشوران معمار:

«استاد رضا امامی میبدی» «استاد محمود کمالی» «حسین خلیلی» «شعبانعلی دهقانی» «حاج عباس میرمحمدی» «حاج استاد حسین طالبی» و «آقای کاظم محمدی نسب» که اطلاعات این کتاب تماماً از گفته های ایشان نقل شده و با نهایت صبر و حوصله پاسخگوی پرسشهای پژوهشگر بودند تشکر و سپاس فراوان نمایم.

در پایان امیدوارم خوانندگان محترم کاستی های این کتاب را به جسارت نویسنده بخشیده، با راهنمایی های خویش او را مورد لطف قرار دهند.

۲- موقعیت

۲-۱- جغرافیا

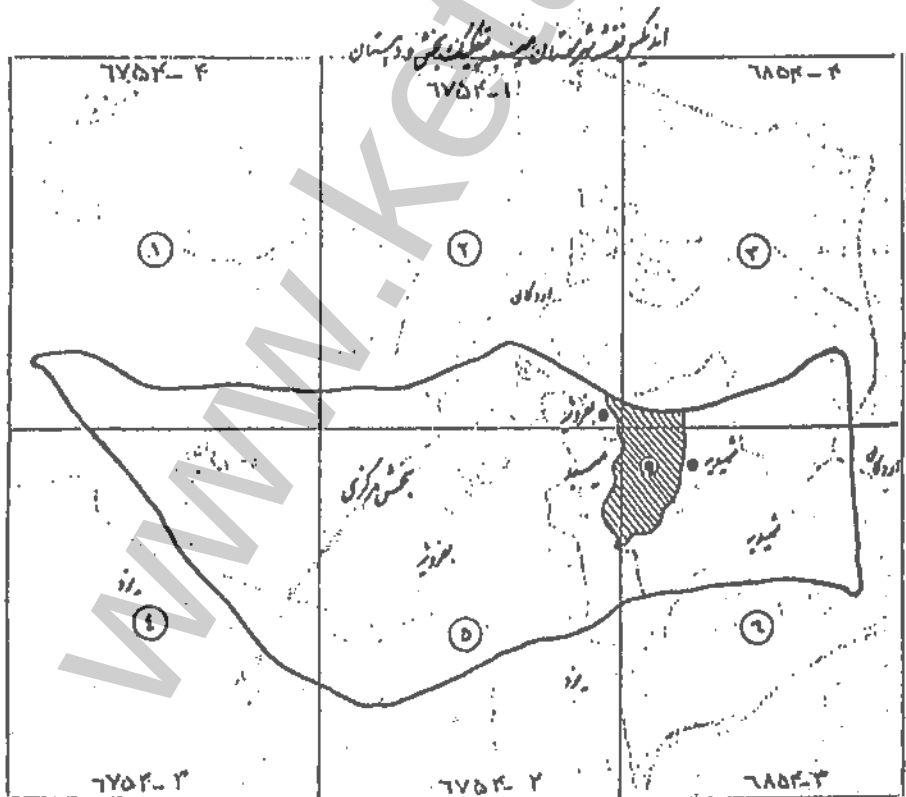
شهرستان میبد در فلات مرکزی ایران در دشت رسوبی و پردامنه‌ی یزد واقع است. گستره‌ی این دشت از دامنه های شیرکوه در جنوب تا کویر سیاه در شمال بیش از یکصد کیلومتر امتداد دارد.

این شهرستان در ($26^{\circ} 54'$ طول جغرافیایی) و ($32^{\circ} 14' 45''$ عرض جغرافیایی) واقع است. ارتفاع آن نیز از سطح دریا به طور متوسط ۱۲۳۴ متر می باشد. این شهرستان در شمال غربی یزد و در حاشیه‌ی کویر مرکزی ایران قرار گرفته است. از طرف شمال به شهر اردکان از جنوب به روستاهای بلوک رستاق و بخش اشکذر و از شرق به آبادیهای بارجین و پس از آن دشتک پایکوهی (کوه دم هفت) و از غرب به روستای حسن آباد و پس از آن دشتک پایکوهی (کوه میل کازر و هنو) محدود است. گودیهای شمالی دشت، بستر خشک یکی از دریاچه های باستانی است که در روند دگرگونی های آب و هوای این ناحیه‌ی اقلیمی در هزاره های اخیر از میان رفته است. نویسندگان متون تاریخی و جغرافیایی قدیم، دریاچه مزبور را «دریای ساوه» نامیده و گفته‌اند که میبد در کنار آن واقع بوده است.

کهن ترین مراکز ده نشینی میبد: بیده، مهرجرد، فیروز آباد و بارجین در دهانه‌ی رودخانه های قدیمی میبد و یا به فاصله‌ی نزدیک از مصب آنها قرار دارند و خود نشانه‌ای ست که آنان نیازهای اولیه خود به آب را از جویبارهای دائمی یا فصلی که در بستر این

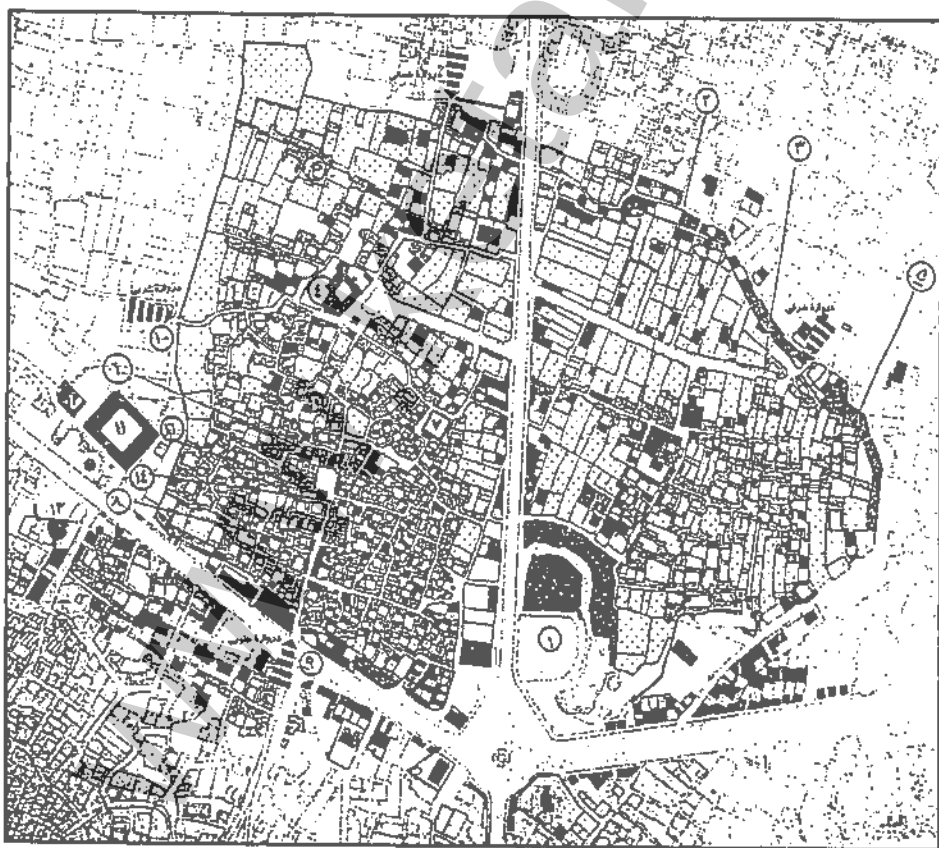
رودخانه‌ها جریان داشته است، بر می آورند و سپس با تغییرات آب و هوایی و کاهش آبهای سطحی در این نقطه‌ی دشت، ناگزیر به فنون آب یابی و کاریزکشی دست یافتند.

از دوره های باستان، یک شاهراه عمده که منطقه‌ی «ماد بزرگ» (جبال = عراق عجم) را به کرمان و ایران خاوری پیوند می داده است، از کنار میبد می‌گذشته همچنین راههای مستقل و کهنی به ایالت‌های باستانی اصفهان، پارس و خراسان داشته که خود احتمال رفت و آمد تیره های چند گونه‌ی اجتماعی را مطرح می سازد. بنا بر پاره ای شواهد و روایتهای، با وجود دورافتادگی جغرافیایی، گهگاه جابجایی جمعیتها نیز در میبد رخ می‌داده است. (پویا، ۱۳۷۱، ص ۱ تا ۶)



نقشه موقعیت بناها

- | | | |
|---------------------|------------------------|------------------------|
| ۱- نارین قلعه | ۷- حسینه کرم | ۱۳- یخچال |
| ۲- مسجد جامع کوچک | ۸- حسینه محله بالا | ۱۴- سقاخانه |
| ۳- حسینه محله کوچک | ۹- دروازه چنوبی | ۱۵- برج عبدالوهاب |
| ۴- مسجد جامع میند | ۱۰- دروازه غربی (کنوا) | ۱۶- مسجد سرآب گودالیها |
| ۵- خانه سالاری | ۱۱- کاروانسرا | |
| ۶- بازارچه حاج میری | ۱۲- چاپارخانه | |
- (نقشه از پایگاه میراث فرهنگی و گردشگری میند)



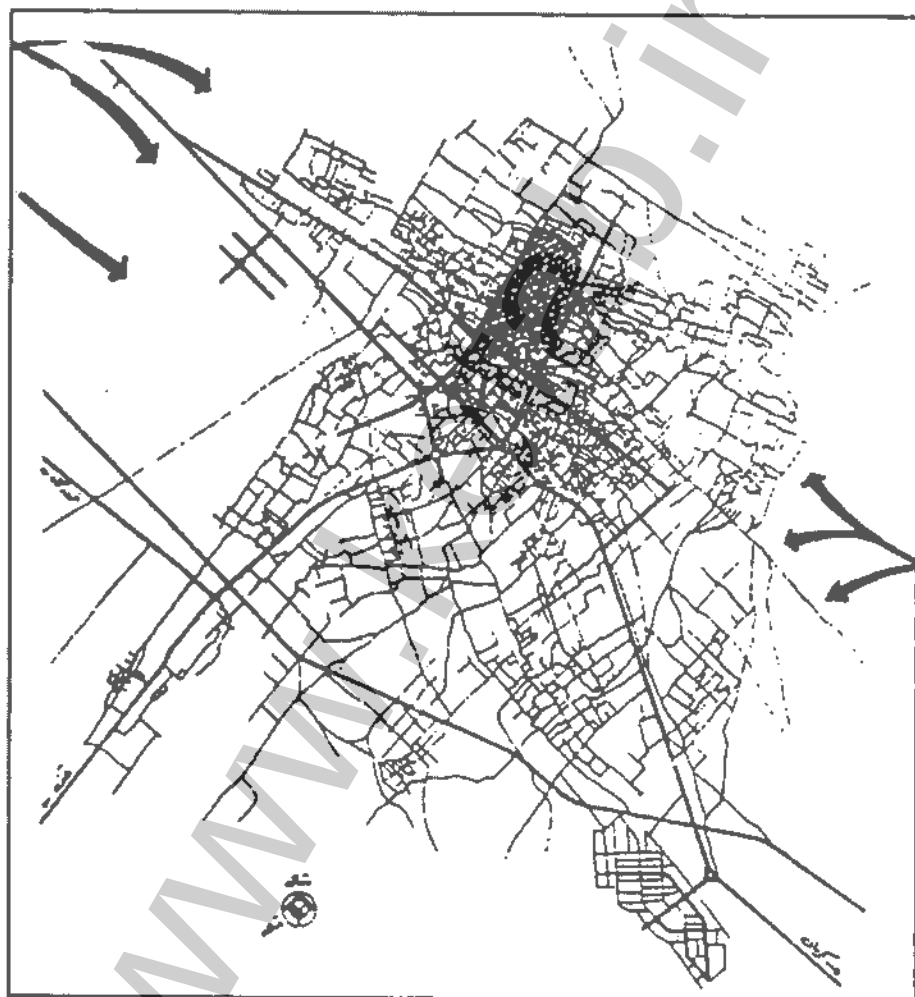
۲-۳- آب و هوا

استان یزد یکی از خشک ترین مناطق ایران در حاشیه کویر نمک و در همسایگی چند منطقه خشک و بیابانی دیگر شامل: کویر لوت (استان خراسان)، کرمان و بخش کویری غربی ابرقو قرار گرفته است.

آب و هوای این استان با توجه به همسایگی دو کویر پهناور لوت و نمک، خشک صحرایی و نیمه صحرایی است. مهمترین عواملی که در این خشکی موثرند، عبارتند از: بارش اندک همراه با تبخیر بسیار شدید آن و رطوبت نسبی ناچیز توأم با گرمای فراوان و نوسانات شدید درجه حرارت. تنها عامل تعدیل کننده دما، ارتفاعات بلند شیرکوه است که تا شعاع نسبتاً وسیعی، مناطق اطراف خود را تحت تأثیر قرار می دهد. بیشترین مقدار بارندگی که بطور متوسط بیش از ۲۰۰ میلی متر است، در ارتفاعات شیرکوه و حداقل آن ۶۰ میلی متر، در نقاط کم ارتفاع و پست استان وجود دارد. (جغرافیای استان یزد، تهران، وزارت آموزش پرورش، ۱۳۶۳ ص ۱)

دو رشته کوه شیرکوه در جنوب و خراتق در شمال، نقش مهمی در تامین آب استان دارند. روستای خراتق با وجود محصور بودن در بیابانهای خشک، به دلیل قرار گرفتن در دامنه کوه خراتق و با بهره گیری از منابع آب آن، دارای محیطی پر بار از نظر کشاورزی است.

استان یزد، دارای بادهای مطبوع است. یکی از این بادهای با وزشی از طرف شمال غرب به نام باد اصفهانی معروف است. از این باد جهت خنک کردن ابنیه در فصول گرما استفاده می شود. بادهای نامطبوع شرقی موسوم به باد سیاه با گرد و خاک فراوان، بیشتر مناطق استان را در ابتدای سال فرا می گیرد. این بادهای موجب تخریب بسیاری از مزارع کشاورزی، قناتها و غیره می شود. خشکی هوا و در نتیجه کمبود آب باعث شده است که مردم این خطه به گاوش آب در اعماق زمین و انبار کردن آن دست بزنند و نیز معماری خاصی برای آب و هوای منطقه داشته باشند که این تغییرات و تفاوت ها قابل بحث و بررسی است. (معماریان، ۱۳۷۲، ص ۶)



نقشه شهر یزد و جهت وزش بادهای مختلف

۳- پیشینه:

آثار مکتوب مربوط به معماری میبد را می توان در دو دسته کتابهای تاریخی یزد، کتابهای لغات و فرهنگ اصطلاحات معماری خلاصه کرد: کتابهایی از دسته نخست کتابهایی است که بعضاً در هاله ای از ابهام و حتی به شیوه ای اسطوره ای به تاریخ یزد از اسکندر، ایلخانان و ... پرداخته است که کم و بیش در این کتابها به شرح بناها و اماکن تاریخی و زمان ساخت این بناها اشاره شده است.

دسته دیگر کتابهایی است به صورت واژه نامه های لغات معماری، واژه نامه هایی که به صورت خاص لغات معماری ایران را مدخل خود قرار داده اند.

دو دسته از کتابهای مورد بررسی که می توان به عنوان ادبیات پژوهش حاضر از آن نام برد به شرح زیر است:

۳-۱- آرتور ابهام پوپ: کتاب این نویسنده با ترجمه کرامت الله افسر به نام «معماری ایران» در باب بناهای تاریخی ایران است که وی به دوره های مختلف تاریخی و بناهای به نام ایران از جمله چغازنبیل، پاسارگاد و ... پرداخته است. آنچه در این کتاب می تواند مورد استفاده پژوهش هایی از این قبیل واقع شود در بخش اوج هنر معماری، ساخت کاروانسراها یا رباط هاست. که می تواند در مورد سبک معماری کاروانسراها یا رباط ها مورد استفاده واقع شود.

۳-۲- علی کاتب: کتاب این نویسنده «تاریخ جدید یزد» یکی از بررسی های تاریخی شهر یزد با بخش های مختلف: تاریخ اسکندر، ذکر ملوک فرس، ذکر اتابکان یزد، اخبار بنی مظفر و ... و ذکر مساجد، مدارس و بناهای تاریخی دیگر در این دوره هاست که به طور تقریبی و حدودی به ساخت بنا و چگونگی آن اشاره دارد.

یکی از کتب معتبر در باب شناخت یزد است و منبع مهمی برای کتابهای نگاشته شده در سالهای بعد می باشد که البته بسیاری از اطلاعات آن در هاله ای از ابهام و حتی به شکلی اسطوره ای به نظر می رسند که نمی توان با یقین و اطمینان به آن استناد کرد. به عنوان مثال:

«یزدگرد فرزند بهرام چون به دستور پدر از مداین به فارس آمد و به یزد رسید به آبادانی یزد پرداخت و سه سرهنگ با او بودند که یکی بیدار نام داشت و دیگری عقدار و سومی مییدار این سه سرهنگ بیده، عقدار و میید را ساختند»

۳-۳- حسن جعفری: کتابی به نام «تاریخ یزد» نوشته‌ی جعفر بن محمد بن حسن جعفری است که در آن با بخش‌های قصه‌ی اسکندر و آمدن به جانب یزد، ذکر ملوک ساسانیان، ذکر اتابکان یزد، ذکر سلاطین یزد، مساجد جمعی یزد، ذکر باغستان یزد به تاریخ و دوره‌های مختلف تاریخی یزد می‌پردازد که در این میان بناهای مهم و موجود آن زمان را نیز با ذکر زمان ساخت، شرح و تعریف می‌نماید. این کتاب یکی از کتب قدیمی معتبر در باب شناخت استان یزد است که منبع مهمی برای کتابهای نگاشته شده در سالهای بعد می‌باشد.

۴-۳- معماریان: کتاب جامعی در باب «آب انبارهای استان یزد» نگاشته که در آن به صورت تخصصی به ساخت آب انبارهای یزد و چگونگی آنها پرداخته است. در بخشهای مختلف کتاب به موضوعاتی از قبیل: فضاهای وابسته یا مشترک آب انبار، نام چند معمار و استاد آب انبار ساز یزدی، نقشه‌ی آب انبارها، منابع تامین آب، موقعیت آب انبارها و بررسی ویژگی‌های معماری آب انبار اشاره دارد.

۵-۳- ایرج افشار: کتابی به نام «یادگارهای یزد» نوشته‌ی ایرج افشار از دیگر کتب حاضر در زمینه‌ی شناخت استان یزد است. این کتاب به شرح بناهای تاریخی تمام استان یزد در دو مجلد پرداخته است که بخش‌هایی از این کتاب با عناوین: عقدا، اطراف عقدا، مهریجر، میید، آبادیهای میید و ... است که در باب شناخت میید حدوداً تمام بناهای تاریخی شرح داده شده و تاریخ و چگونگی ساخت آنها ذکر گردیده است.

۶-۳- پویا: کتاب جامع و کاملی به نام «سیمای باستانی شهر میید» در باب شناخت استان یزد نگاشته است که از آن می‌توان در بررسی‌های تاریخی، قوم‌شناختی، جغرافیایی و ...

بهره‌های فراوانی برد. آوردن واژه نامه‌ی ۵۳ مدخلی در انتهای این کتاب یکی از نکات مثبت این کتاب حتی در همین میزان اندک به شمار می‌رود.

۳-۷- حبيب معروف: «واژه نامه‌ی راه و ساختمان و معماری» واژه نامه‌ای دو زبانه است که در آن واژگان معماری و راه سازی انگلیسی در برابر معادل های فارسی آن قرار گرفته است. این واژه نامه برای یافتن معادل های انگلیسی واژگان معماری بسیار مناسب است اما نمی توان واژه های خاص معماری ایران را در آن یافت به همین دلیل نمی تواند منبع کامل و قابل رجوعی در پژوهش هایی از این قبیل باشد.

۳-۸- بیژن سرشکی، ندا رفیع زاده، علی محمد رنجبرزاده: کتاب «فرهنگ مهرازی (معماری) ایران» که فرهنگ جامعی در باب واژگان معماری ایران محسوب می شود توسط این سه فرد جمع آوری و تالیف شده که این کتاب در اصل شرح واژگان معماری در شهرستانها و استانهای مختلف ایران به طور عموم است و در کنار این مدخلها شهرستان مورد اقتباس ذکر شده است. اما چون در این کتاب تمام واژگان معماری ایران گرد آوری شده؛ اشرف و تمرکز معماری نقاط مختلف ایران به طور کامل صورت نگرفته است به عنوان مثال واژگان سازه هایی از قبیل بادگیر، سقف های خاص، انواع آب انبار، قنات ها و چاههای عمیق مختص یک ناحیه آورده نشده است و علاوه بر آن واژگان استانها و شهرستانهای مختلف ایران به طور پراکنده با ترتیب حروف الفبایی مدخلها آورده شده که برای پژوهشگران نقاط مختلف ایران، دسترسی به واژگان تخصصی این مناطق به سختی صورت می‌گیرد.

نکته‌ی قابل ذکر دیگر درباره‌ی این کتاب ویراستاری خاص و غریب این کتاب است که برای افراد نا آشنا با این ویرایش مشکلاتی از لحاظ درک معانی مدخلها و واژگان پدید می‌آورد به عنوان مثال:

چمله (چ، ل) که بخشی از پرهون باشد و در ساخت پالانه درگاه زده می‌شود.

دروادی (د) گنجی است که در برگیرنده این جهان است و همه چیز در آن جا دارد.

خواره (خ، ر) داربست یا چوب بست برای رازیگری

۶- روش شناسی:

این پژوهش بر اساس گزارش های میدانی از گفتار ضبط شده ی معماران به نام شهرستان میبد در شاخه های عمومی معماری بر روی نوارهای کاست جمع آوری شده است که این واژگان مجموعه ای الفبایی به شرح و اقسام زیر است:

- ۱- واژگان مربوط به اجزاء ساختمان مانند: آجر، دیوار، ستون
- ۲- واژگان مربوط به بناهای خاص مانند: آب انبار، قلعه، آسیا
- ۳- واژگان مربوط به ساخت و ساز مانند: فیل پوش، ضریبی، رومی پوش
- ۴- واژگان مربوط به فضاهای سازه مانند: صحن، سردخانه، گرم خانه
- ۵- واژگان بخش های مختلف ساختمان مانند: هشتی، دلیزه، اتاق سه دری
- ۶- واژگان مربوط به اندازه گیری مانند: گز، چوب، شاغول
- ۷- واژگان مصالح ساختمان و مصالح ترکیبی مانند: سیمان، آهک، دوغاب
- ۸- واژگان مربوط به مشاغل وابسته به معماری مانند: آجرپزی، کاشی کاری، چاه و قنات
- ۹- واژگان آذین و زیبا سازی مانند: گچ بری، کاربندی، نماکاری
- ۱۰- واژگان بخش های شهری مانند: کوچه، ساباط، قلعه
- ۱۱- واژگان مربوط به ابزار آلات مانند: ماله، چوب بست، شمشه

این واژگان گرد آوری شده در بخش های زیر ارائه شده است:

- ۱- مدخل واژگانی به صورت حرف نویسی فارسی
- ۲- آوا نوشته ی کلی که شیوه ای سهل الوصول جهت خوانش صحیح واژگان است
- ۳- آوا نوشته ی تفصیلی به روش IPA که در انتها جهت مطالعات دقیق آوایی آمده است
- ۴- تقطیع تکواژی: تا حد امکان تکواژه های موجود در واژگان و اصطلاحات تقطیع گردید تا چگونگی ساختار این کلمات و ترکیب اشتقاق آنان روشن شود
- ۵- شرح و توضیح واژگان به بیانی یک دست و قابل فهم همراه با عکسهایی که در صورت لزوم مکمل این توضیحات می باشد

نگارش:

توافقی در زمینه ی رسم الخط واژگان فارسی در میان نویسندگان وجود ندارد. عده ای به چسبیده نویسی و عده ای به جدا نویسی واژگان تمایل دارند. فرهنگستان زبان ایران (فرهنگستان سوم) غالباً مینا را بر جدا نویسی گذاشته است. این کتاب نیز بر همین مینا جدا نویسی را شیوه ی نگارش خود قرار داده است. اما در بعضی موارد سعی شد شکل مرجح و زیباتر واژگان آورده شود. به عنوان مثال علامت جمع، ضمائر، کلمات مرکب و ... از یکدیگر جدا نوشته شده اما واژگانی که معنای یکسانی در ترکیب دارند در صورتی که به زیبایی صورت نوشتاری آن خدشه ای وارد نیاید، جدا نویسی شده اند. مانند: واژه ی «پشت بندی» که به صورت جدا و واژه ی «خفگا» که به صورت سرهم آورده شده اند زیرا صورت «خف گا» زیبایی شکل چسبیده ی آنرا (لااقل به زعم نگارنده) ندارد.

برخی خصوصیات تلفظی گویش میبد

در گرد آوری و پیاده سازی واژگان معماری شهرستان میبد برخی ویژگی های بارز و هویت آفرین تلفظی مشاهده شد که برای درک هرچه بیشتر آوانویسی های تفصیلی و کلی این کتاب به شرح مختصر آن می پردازیم.

۱- همخوانها

۱-۱- همخوان /G/ (ق، غ)

در این گویش واج /G/ (انسدادی، ملازی، واکدار) به گونه ای که در فارسی معیار مورد استفاده است شنیده نمی شود بلکه به جای آن دو واج /q/ (ق) (انسدادی، ملازی و بیواک) و واج /ɣ/ (غ) (سایشی، نرمکامی و واکدار) کاربرد فراوان دارند. شاید بتوان گفت متکلمان به گویش مزبور، عموماً تمایل دارند /q/ را معادل (ق) در نوشتار و /ɣ/ را معادل (غ) تلفظی نمایند.

t^háq^htʃ^he

تاچه

q^hærniz

قرنیز

q^hæfū(ɳ)

قفون

ɣærvær

غرغر

۱-۲- همخوان /h/

این واج در میان و پایان هجا تمایل بسیاری به حذف شدن و گاه خفیف شدن دارد. این واج در میان دو مصوت تبدیل به جفت واکدار خود /h/ می گردد که در آوانویسی تفصیلی نیز به همین وسیله نشان داده شد.

mæ: t ^h ab gir	مهتاب گیر	p ^h æ: na	پهنا
		mófiæfɛz- e t ^h ir	محافظ تیر

حذف /h/ میان رشته‌ی آوایی، در جایگاه قبل از همخوان، با کشش جبرانی واکه‌ی ماقبل همراه است.

۱-۳- همخوان /g/، /k^h/

در این گویش بر خلاف فارسی معیار جفت پیشین همخوانهای انفجاری نرم‌کامی /k^h/ شنیده نشد به همین سبب در آوانویسی تفصیلی حتی پیش از مصوت های æ, e, ɛ, i به جای /t/ و /c^h/ جفت پسین /g/، /k^h/ آورده شد، مانند:

k ^h úr	کوره	k ^h æ mtʃ ^h	کمچه
-------------------	------	-----------------------------------	------

شایان ذکر است که در فارسی معیار، انفجاری های سخت کامی c^h و t^h در جایگاه پیش از واکه های پیشین، جایگاه ماقبل همخوان، و جایگاه پایان رشته‌ی آوایی قابل مشاهده اند و همخوانهای انفجاری نرم‌کامی k^h و g فقط پیش از واکه های پسین دیده می‌شوند.

۲- واکه ها

۱-۲- واکه‌ی /ɛ/

در این گویش واکه‌ی /ɛ/ به عنوان واکه ای نظیر واکه‌ی پایانی در واژه هایی که در فارسی معیار به /e/ ختم می شوند شنیده شد. این واکه یکی از آواهای پیر کاربرد میبیدیست که افراشته تر از /æ/ و افتاده تر از /e/ تلفظ می شود. این صوت در قسمت جلویی دهان تولید می شود. دهان در هنگام تولید آن نیمه باز و شکل لبها گسترده است، مانند:

bure	بوچه	bála xū ɛ	بالاخانه
------	------	-----------	----------

۳- فرایندهای آوایی:

تأثیر آواها بر یکدیگر گاه باعث همگونی، ناهمگونی، قلب، حذف، افزایش و ... می شود که در این کار نیز با وجود محدودیت بسیار خصوصياتی از این دست شناخته شد:

۱-۳ حذف

حذف یکی از فرایندهای آوایی پربسامد در گویش های ایـرانی است که نمونه های متفاوت آنرا می توان در گویش میبدی مشاهده کرد:

۱-۱-۳ حذف واجهای /ʔ/ و /h/ در پایان هجا و یا پایان واژه که در صورت حذف واکه‌ی ماقبل این واجها کشیده تر تلفظ می شود مانند:

چاه $tʃ^ha:$ شمع $ʃæ:(m)$

۲-۱-۳ حذف واج /tʰ/ پس از صامت های f, s, ʃ, x مانند:
خشمالی $xeʃ mal i$

۳-۱-۳ همخوان خیشومی /n/ و نیز خوشه‌ی همخوانی /nd/ اگر در پایان هجا و یا پایان واژه قرار گیرند یا حذف می شوند و یا تمایل بسیاری به تلفظ خفیف آن دیده می شود، مانند:

گل اردکان $gél e ʔærdækā(n)$

گل بند $gél bæ(nd)$

شایان ذکر است که تنها نشان باقی مانده از این حذف، خیشوی ماندن واکه‌ی ماقبل است:

۲-۳ کشش جبرانی واکه

در این گویش با حذف همخوانهای /ʔ/ و /h/ در میان و یا پایان هجا واکه‌ی هجا دارای کشش جبرانی می گردد که به عنوان نمونه می توان از واژه های:

قالب شونزده $q^halebe ʃu:zde$

fæ:(m)

شمع

tʃʰa:

چاه

۳-۳-۳- ابدال

واج /tʰ/ پس از صامت های f, s, ʃ, x قبل از مصوت تبدیل به جفت واکدار خود /d/ می شود:

$$p^{wh}oʃt - \varepsilon \rightarrow p^{wh}oʃd - \varepsilon$$

۳-۴- ناهمگونی

در کنار همگونی های بسیاری که در گویش میبیدی دیده می شود ناهمگونی هایی نیز وجود دارد که در این میان می توان از تبدیل واج /v/ در میان دو مصوت به واج /b/ نام برد. مانند واژه ی تویزه که واج /v/ در جایگاه بین دو واکه تمایل به جایگزینی با واج /b/ را دارد:

$$t^{h}æviz_{\downarrow} \rightarrow t^{h}æbiz_{\downarrow}$$

۴- تکیه

در گویش میبیدی تکیه ی آغازین واژه از مشخصه های اصلی این گویش محسوب می شود اما در عین حال آوانویسی تفصیلی و کلی این کتاب بر اساس شنیدار پژوهشگر تکیه گذاری شد. علامت تکیه گذاری بر روی واژگان (ˈ) بر روی هجای تکیه بر می باشد:

۵- واژه های مشدد

واژه های مشدد در گویش میبیدی به شیوه ای متفاوت تر از فارسی معیار شنیده شد. در این گویش یکی از دو همخوان یکسان واژه های مشدد حذف می گردد و به جبران آن واکه ی ماقبل کشیده تر اداء می شود:

$$k^{h}æl^{'}\varepsilon \rightarrow k^{h}æ:\varepsilon$$

مانند:

۶- تصغیر

علامت تصغیر در گویش میبدی (اُوی) یا (uk) است که در واژگان متفاوت این کتاب مشاهده می شود مانند /nĩ m-tʰaq-tʃʰ-ukʰ/ چنانکه می بینیم در این واژه (چه) علامت تصغیر است اما در گویش میبدی دوباره علامت تصغیر /uk/ به آن اضافه شده و /e/ انتهایی تاقچه پس از اتصال به /uk/ به آن حذف شده است:

tʰáqʰ- i:j- ukʰ sʷúláx- ukʰ

۷- علامت جمع

در این گویش نیز مانند فارسی معیار علامت جمع /ها/ به واژگان افزوده می شود. اما اغلب به صورت /a/ یعنی مخفف /ها/ به کار می رود که دارای قواعد خاصی است. تعدادی از این قواعد که در این مختصر مشاهده شد به شرح زیر است:

۱-۷ اگر اسم به /i/ ختم شده باشد، همخوان میانجی /y/ بین i و علامت جمع می آید مانند:

gáetʃʰ- bor- i- y- a گچ بری ها

۲-۷ اگر اسم به واکه a ختم شده باشد، پایانی کشیده تر تلفظ می شود:

sera + a → sera : خانه ها

۳-۷ اگر اسم به /e/ پایانی ختم می شود /e/ حذف شده /a/ جمع به کلمه اضافه می شود:

xʷũne + a → xʷũna خانه ها

جدول زیر حاوی کلیه نمادهای آوایی است که برای آوانویسی کلی گویش مذکور از آن استفاده شده است. زبانشناسان علاقه مند به تلفظ های دقیق مدخلها می توانند به بخش آوانوشتته های تفصیلی مراجعه کنند. مبنای کار در تهیه آوانوشتته های تفصیلی در این کتاب ویراست سال ۱۹۹۶ الفبای آوانگار بین المللی IPA بوده است.

پنجاکامی	ملازی	نرمکای	کامی	پیشکامی	لثوی کامی	لثوی	دندانی لثوی	لب و دندانی	دوبلی	محل تولید
شیوه تولید										
?	q	kg					t d		pb	انسدادی
h-fi		xɣ			ʃ ʒ	s z		f v		سایشی
				ɕ ʝ						انسدادی سایشی
							n		m	خیشومی
							r			غلطان
			y			l				روان

واکه های گویش میبدی

پسین گرد	پیشین - گسترده	
u	i	بسته
ow o	e ey	نیمه بسته
	ɛ	نیمه باز
a	æ	باز

و واکه های مرکب ey, o